

جبهه پایداری علاقه‌مند است که جمهوری اسلامی به حکومت اسلامی بدل شود

سیدحسین مرعشی دبیرکل حزب کارگزاران
سازندگی در گفت‌وگو با «اعتماد» از
چالش‌های اعتراضات خیابانی، شعارهای
ساختارشکن و ضرورت اصلاحات می‌گوید

تکیه بر اکثریت به جای اقلیت

فضای کشور باید به سمت تکرر سوق داده شود

مهدی بیک اوغلی| «فاصله میان يك نسل و مدیرانش»؛ شاید ترجیح‌بند مناسبی باشد که از طریق آن بتوان شرایط امروز کشور را تحلیل و ارزیابی کرد. نسلی که به گونه‌ای خاص می‌اندیشد و زندگی می‌کند اما سیاست‌گذارانی دارد که درك شفافی از مطالبات و خواسته‌هایش ندارد. این تفاوت دیدگاهی را علنا از يك طرف در اظهارنظرهای فعالان سیاسی و از سوی دیگر در مطالبات نسل دهه هشتادی‌ها می‌توان مشاهده کرد، چهره‌های سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرا، چیزی می‌گویند که جوان دهه هشتادی توجهی به آن ندارد و راه خود را می‌پوید. دو دنیای متفاوت که انگار در دو جهان موازی عینیت پیدا کرده و هرگز به هم نمی‌رسند. اما راه چاره چیست؟ به نظر می‌رسد، جهان، راهی برای این تفاوت‌ها و تضارب‌ها و تنازع‌ها از طریق حضور نسل‌های مختلف در عرصه سیاسی و گردش نخبگانی یافته است، راهکاری که در ایران توجه چندانی به آن نشده است. بر این اساس است که اظهارنظر چهره‌هایی همچون بهزاد نبوی، سیدحسین مرعشی، سعید لیلان و بسیاری از چهره‌های دیگر برای جوان دهه هشتادی، نامفهوم است. مرعشی و بسیاری از چهره‌های سیاسی معتقدند که باید قدم به قدم پیش رفت و مطالبات حداقلی را مطرح کرد، اما جوان دهه هشتادی به گونه‌ای دیگر

می‌اندیشد و محافظه‌کاری و تعارف را بر نمی‌تابد. چالش اما زمانی شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد که نماینده‌ای از نسل‌های جوان در ساختارهای تصمیم‌ساز کشور وجود ندارد تا در بزنگاه‌ها در حکم حلقه واسط عمل کرده و مطالبات این نسل را به گوش تصمیم‌سازان برساند. این فقدان، باعث بروز شکافی شده است که هر روز عمیق‌تر به نظر می‌رسد، شکافی که برخی فعالان سیاسی معتقدند هرچه سریع‌تر باید زمینه رفع آن فراهم شود. «اعتماد» در مسیر گفت‌وگوهای تحلیلی خود این‌بار روبه‌روی سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی و یکی از فعالان سیاسی میانه‌روی کشور نشسته است تا درباره رخدادهای اخیر و چشم‌انداز پس از آن صحبت کند. مرعشی که روز و روزگاری در شمایل رییس دفتر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی انجام وظیفه می‌کرده است، انگار بخشی از خصلت‌های ایشان را نیز در خود نهادینه کرده است. او خطاب به جوانان از آنان می‌خواهد تا مطالباتی را طرح کنند که امکان تحقق داشته باشد و از رفتارهای رادیکال بپرهیزند، چراکه معتقد است نظام این توانایی را دارد که در عرصه میدانی از خود محافظت کند، مرعشی قدرت واقعی جوانان را در عرصه کنشگری‌های سیاسی (انتخابات)، مدنی (تشکل‌ها) و... می‌داند که باید از آنها بهره برده شود.

بسیاری از تحلیلگران معتقدند رخدادهای اعتراضی اخیر با هیچ کدام از تجربیات قبلی طی سال‌های گذشته قابل مقایسه نیست و جامعه ایرانی وارد اتمسفر تازه‌ای شده است. زنان، نوجوانان و دانش‌آموزان ایرانی به عنوان کنشگران تازه‌وارد میدان مطالبه‌گری شده‌اند. نظر شما درخصوص این اتمسفر تازه اعتراضی چیست؟

رخدادهای اخیر در واقع بخشی از نارضایتی عمومی را به تصویر کشید، البته به نظر من فرصتی است تا مسوولان جمهوری اسلامی از طریق آن متوجه شوند که بستن راه‌های کنشگری سیاسی و ناامید ساختن مردم در انتخابات مجلس سال 98 و ریاست‌جمهوری 1400 تا چه اندازه برای کشور خسارت‌بار بوده است. وقتی فضا باز است، صاحبان سلیقه‌های مختلف دست به انتخاب می‌زنند، حتی اگر خواسته‌های آنها حداقلی باشد، مطالبات خود را مطرح می‌کنند و کشور جهت خود را پیدا می‌کند. این روند اما با انسداد در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، حزبی و... متوقف می‌شود و بدل به مطالبات فروخورده و نهایتاً اعتراض و خشم می‌شود.

یعنی شما ریشه تحولات اخیر را در انتخابات سال 98 و 1400 می‌بینید؟

این اشتباهی بود که در حوزه سیاست‌گذاری‌های کشور رخ داد؛ یعنی عده‌ای فکر کردند اگر فضا را ببندند، افرادی که رای انتقادی

داشتند، نهایتاً به سمت نظام گرایش پیدا می‌کنند. رخدادهاي اخير نشان داد اين رویکرد، اشتباه است و در زمان انسداد، کنشگران اجتماعي و سياسي به جاي گرایش به سياست‌هاي نظام از نظام فاصله می‌گیرند. اين واقعیت يکي از مهم‌ترین پیام‌هايي بود که در حوادث اخير نمایان شد. از سوي ديگر به فعالان سياسي نيز اين پیام را داد که سياست مهم است و نمی‌توان صحنه سياسي را در هر شرايطي و به هر بهانه‌اي ترك کرد. اگر اين دو پیام را مسوولان جمهوري اسلامي از يك طرف و فعالان سياسي از طرف ديگر درك کرده باشند، دستاورد قابل توجهي است و می‌تواند فضاي سياسي و فضاي انتقاد را براي منتقدان سيستم باز کند.

اشاره شما به برخي طيف‌هاي اصلاح‌طلب است که در زمان انتخابات 1400 کنشگري در انتخابات را بي‌حاصل تفسير کردند؟

معتقدم کنشگري سياسي در هر شرايطي بايد دنبال شود، گاهي اوقات فضاي مطلوبي مهيا است و گاهي اوقات شرايط دشوارتري وجود دارد. نمی‌توان کشور را در يك نقطه‌اي نگه داشت که در آن امنيت فرهنگي، سياسي و... وجود نداشته باشد. معتقدم نظام پس از اين بايد سياست راهبردي خود را تغيير بدهد و به جاي تکیه بر اقليتي که در هر شرايطي از سياست‌هاي نظام دفاع می‌کند به سمت رضایت اکثریت مردم و ايجاد رضایت اقتصادي، سياسي، فرهنگي و... باشد. در واقع فضاي کشور بايد به سمت تکثر سوق داده شود. در نقطه مقابل جوانان کشور بايد بدانند که اگر خواسته‌اي دارند بايد اين مطالبات عيني و شديني باشد. يعني به بهانه ظلمي که به مهسا اميني و ساير جوانان اين کشور شده، نبايد کليت نظام مورد هدف قرار بگيرد. طبيعي است که نظام قدرت دارد که در خيابان از خودش دفاع کند. اگر خواسته‌هاي اجتماعي جوانان به خواسته‌هاي سياسي بدل شود و خواسته‌هاي سياسي در راستاي تغيير نظام باشد، 2 حالت وجود دارد؛ يا نظام از خودش دفاع می‌کند و سياست‌هاي بسته‌تري را اعمال می‌کند که به نفع هيچ کس نيست يا اينکه اگر نظام نتواند از خودش دفاع کند، آینده ايران دچار ابهام می‌شود. جوانان ايران بايد ياد بگیرند که خواسته‌هاي خود را يکي‌يکي مطرح کنند. رفتن به سمت خواسته‌هايي که قابل تحقق نيست، ایده ايجاد يك زندگي خوب را نيز مختل می‌کند.

فکر نمی‌کنید اساساً مشکل بسياري از جوانان همین شکل نصیحت‌ها است که مدام بايد بايد می‌کند؟

چه دوست داشته باشيم و چه نه، اينها درس‌هاي مهمي است که بايد مدنظر قرار بگيرد. ايران از دو خطر بايد محفوظ داشته شود؛ يکي اينکه ايران نبايد به سمت انسداد سياسي برود و ديگر اينکه دامنه اعتراضات به اندازه‌اي مخرب نشود که ايران دچار نوعي بي‌دولتي و

ضعف شود و خطرات بعدی شکل بگیرد.

شما از يك اقلیت طرفدار حاکمیت یاد کردید که حاکمیت برای دستیابی به مشارکت اکثریت باید از آنها عبور کند. اساسا یکی از دلایل مشکلات کشور، حضور همین اقلیت مثل جبهه پایداری است که سیطره زیادی در ساختارهای مدیریتی دارند. پس از رخدادهاي اخیر اینترنت همچنان مسدود است، قوانین تند برای برخورد با کنشگرهاي انتقادي در حال وضع است و... با این شرایط چطور میتوان به جوانان گفت که خیابان را رها و کنشگری معقول را دنبال کنید؟

جبهه پایداری علاقه‌مند است که جمهوری اسلامی به حکومت اسلامی بدل شود. اما این خلاف‌نظر بنیانگذار جمهوری اسلامی و بزرگان کشور است. در سال‌های ابتدایی انقلاب وقتی امام (ره) به جای حکومت اسلامی از انقلاب اسلامی دفاع کردند، این معنا را داشت که ایشان به مردم اعتماد داشتند و مردم را تعیین‌کننده می‌دانستند. باید به همین اندیشه بازگردیم و رای مردم ملاک عمل قرار گیرد. لازم نیست جبهه پایداری‌ها این واقعیت را بفهمند، آنها این موضوع را درک نخواهند کرد. مهم این است که سیاست‌گذاران متوجه این امر شوند که نمی‌شود کشور را با اقلیت اداره کرد. کشور باید با مشارکت 65 به بالا پیش برود. جبهه پایداری اقلیتی است که خواب سیطره بر کشور را می‌بیند که هیچ‌وقت هم تعبیر نمی‌شود، آنها هم باید یاد بگیرند که به اندازه سهم‌شان در مدیریت کشور حضور داشته باشند.

اما همین امروز بخش قابل توجهی از نهادهای سیاست‌گذار کشور تحت سیطره همین تفکر قرار دارند و آنها جدای از کابینه و مجلس و... بسیاری از نهادهای تصمیم‌ساز دیگر را در دست دارند؟

ما فکر می‌کنیم پس از عبور از این مرحله از تنش‌ها و اعتراضاتی که مخدوش شده (افرادی که علیه کل نظام شعار می‌دهند) از سوی برخی افراد تندرو، کشور به سمت تغییر حرکت می‌کند. سیاست معادله يك مجهولي و دو مجهولي نیست و سیاست امر پیچیده‌ای است. کار باید به دست سیاستمداران پخته و کارکشته انجام شود.

بخشی از مشکل جوانان همین سیاستمداران به‌زعم شما پخته و از نظر جوانان معترض از رده خارج است. آنها می‌خواهند نمایندگان خود را در سیاست‌گذاری‌ها داشته باشند.

این امر از طریق تقویت احزاب محقق می‌شود. این احزاب هستند که می‌توانند نسل‌های جدید را جایگزین نسل‌های قدیمی‌تر کنند. با آموزش و برنامه و تخصص‌گرایی می‌توان نماینده مجلس، دولتمرد و مدیر ساخت. اخیرا نشستی با وزیر کشور برگزار شد که برخی طیف‌های اصلاح‌طلب معتقد بودند اصلاح‌طلبان نباید در این نوع نشست‌ها حاضر شوند. آیا شما نشانه‌ای از تغییر را دیدید؟

هنوز نه، اما باید 3 سطح از اصلاحات در نظام مورد توجه قرار بگیرد. سطح اول که کوتاه مدت است، ضرورت تغییرات در کابینه است. دولت ریسی باید به سمتی حرکت کند که وزرای دولت برای نظام اعتماد ایجاد کنند. وزیر ارشاد باید محبوبترین فرد نزد هنرمندان و اهالی فرهنگ باشد. وزیر آموزش و پرورش باید دارای جایگاه رفیعی در میان معلمان باشد. وزیر علوم باید مورد توجه اساتید باشد. دولت هم کارآمد باشد و هم محبوب. نمیتوان با يك انتخابات حداقلي با به کارگیری افرادی که دارای کمترین پایگاه در حوزه تخصصی خود هستند کشور را آرام کرد. گام دوم، تغییر استراتژی نظام در میان مدت است. نظام باید به سمت کسب رضایت اکثریت مردم حرکت کند. گام سوم هم که درازمدت است، مربوط به بنیانهاست. جمهوری اسلامی براساس فرهنگ و کنشگری اکثریت مردم در دهه 60 شکل گرفته است. باید نظام به گونه‌ای خود را نوسازی کند که بتوان اکثریت 70 درصدی مردم را اقناع کرد و به میدان مشارکت آورد. ما در کارگزاران این 3 سطح خواسته را از نظام داریم.

وقتی شما به عنوان يك فعال سیاسی، مبتنی بر سرمایه اصلاحات از جوانان میخواهید که کنشگری‌های خود در خیابان را رها سازند و وارد کنشگری در عرصه رسمی سیاست، فرهنگ، حزب و... شوند. فکر نمی‌کنید اگر گشایشی از طریق نظام سیاسی ایجاد نشود، هم تنه سرمایه اصلاحات به باد می‌رود و هم جوانان سرخورده شده و رادیکال‌تر از قبل وارد میدان میشوند؟

ما نمی‌گوییم که جوانان اعتراض نکنند، می‌گوییم مواردی مطرح شوند که تحقق یافتنی باشند. مطالبات غیرقابل تحقق، آرمان‌های دفع شده است.

از میان شعارهایی که در تجمعات اخیر مطرح شده، کدام مطالبات را قابل تحقق میدانید؟

مطالبه تغییر شیوه زندگی مطالبه بحقی است. اینکه دخالت حکومت در زندگی مردم کم شود، فضای بازی برای تبادل افکار ایجاد شود، رسانه‌ها آزاد باشند، صداوسیما به جای سیاست تک قطبی، سیاست‌های چند جانبه در پیش بگیرد، نخبگان اجازه نقد و تحلیل داشته باشند و... حرف‌های درستی‌اند. صدای مطالبات تشکله‌ها و اتحادیه‌های صنفی نیز باید شنیده شود. در کل مطالبات قابل تحقق طرح شوند. دانشجویان آزادانه نظرات منطقی خود را مطرح کنند.

اما در شرایطی که ما صحبت می‌کنیم، دانشجویان دانشگاه شریف به خاطر اظهارات و انتقاداتشان مشکلات عدیده‌ای را از سر می‌گذرانند. این روند را چطور می‌بینید؟

اگر آقای ریسی و وزرای‌شان دوستدار ایران و جمهوری اسلامی‌اند باید

طوري عمل کنند که باعث عزت کشور شود. اينکه طوري عمل شود که مردم عصباني شوند و تندترين شعارها را عليه کل سيستم بدهند، هنر نيست، خودخواهي دولتمردان است. يعني فدا کردن کشور براي منفعت يك گروه كوچك.

اگر فرض بگيريم که سياستگذاران به جاي اکثريتي که شما گفتيد، اقليت طرفدار خود را انتخاب کند، کشور به چه سمتي ميرود؟ در اين صورت کشور دچار شرايط دشوار و بسته تري ميشود که به نفع هيچ کس نيست.

آيا آلترناتيوي براي عبور از اين مرحله وجود دارد؟ از چه زماني سيستم ميتواند تغيير را آغاز کند.

نبايد ايران را به سمت سياهچاله هاي ناشناخته هدايت کنيم، بلکه کشور را بايد به سمت مودت و دوستي هدايت کنيم. سيستم از همين فردا ميتواند اقدامات اصلاحي را آغاز کند. ابتدا دولت دست به تغيير کابينه بزند، صداوسيما روند تغيير را آغاز کند. اعتراض به رسميت شناخته شود و دوستانه که در قواي سه گانه مسووليت دارند اگر به آينده کشور علاقه دارند بايد صدای معترضان را بشوند. هر چند حضور معترضان هنوز ميليوني و گسترده نيست، اما واقع آن است که اين صداها از سوي جمعيت چند ده ميليوني مردم حمايت ميشود.

در سالهاي قبل از انقلاب هم در ماههاي منتهي به انقلاب حضور معترضان چشمگير نبود، اما با نزديك شدن به بهمن 57 آرام آرام مردم بيشتري در اعتراضات حضور پيدا کردند. درست است؟

شرايط امروز با آن سالها فرق دارد. در آن زمان افراد هوشمند و توانايي بودند که پايدار نگاه اجتماعي داشتند و مردم را هدايت ميکردند، اما امروز هر چند صداهايي وجود دارد اما اين صداها نتوانسته اند اکثريت مردم را براي انتقاد و تغيير متقاعد سازند.

جبهه پايداري علاقه مند است که جمهوری اسلامي به حکومت اسلامي بدل شود. اما اين خلاف نظر بنیان گذار جمهوری اسلامي و بزرگان کشور است. در سالهاي ابتدائي انقلاب وقتي امام(ره) به جاي حکومت اسلامي از انقلاب اسلامي دفاع کردند، اين معنا را داشت که ايشان به مردم اعتماد داشتند و مردم را تعيين کننده مي دانستند. بايد به همين اندیشه بازگرديم و راي مردم ملاک عمل قرار گيرد. لازم نيست جبهه پايداري ها اين واقعيت را بفهمند، آنها اين موضوع را درک نخواهند کرد. مهم اين است که سياست گذاران متوجه اين امر شوند که نمي شود کشور را با اقليت اداره کرد. کشور بايد با مشارکت 65 به بالا پيش

برود. جبهه پایداری اقلیتی است که خواب سیطره بر کشور را می بیند که هیچ وقت هم تعبیر نمی شود، آنها هم باید یاد بگیرند که به اندازه سهمشان در مدیریت کشور حضور داشته باشند.

منب: [www.1401.ir](#) 3 [www.1401.ir](#)